

## **Linguistic Research in the Analysis of the Meaning of the Seven Heavens**

**Nehle Qharavi\***

**Seyed Tagi Ale Mohammad \*\***

**Mohsn Faryadres\*\*\***

**Mahdi Kamran\*\*\*\***

The modality of the world Formation and its Process, is one of the interdisciplinary issues which has been the place of discussion and searching within experimental scientists and religious scholars. The present study with a library method in collecting the content and referential method in presentation of views and the qualitative and descriptive analysis of them has conducted this issue with the linguistic approach. Considering the importance of Quranic verses is demonstrated that it is possible to categorize the authoritative views on this issue within the Qur'anic language dimensions, so that the views of the ancestors in intended verses are more related to the "common law" language of Qur'an and, on the other hand, the views of contemporary commentators are more based on the language of "scientific – intrinsic" and to the "special custom" language of Quran that has been revealed in the scientific and Qur'an with Quran exegesis. Finally, the author, with referring to the intrinsic -scientific language of the Qur'an and referring to the inner and outer indications, considers the seven heavens in verse 11 of Ha-Mim indicates to the Layers of atmosphere.

**Keywords:** the Holy Quran, Quranic Language, Scientific Commentary, Seven Heavens, Layers of Atmosphere.

---

\* Professor of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.  
naeeni\_n@modares.ac.ir

\*\* PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Responsible Author)  
s.alemohammad@modares.ac.ir

\*\*\* PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.  
m.faryadres@modares.ac.ir

\*\*\*\* PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.  
m\_kamran@modares.ac.ir

## رهیافت زبان‌شناسانه در تحلیل معنای هفت آسمان

نهله غروی نائینی\*

سید تقی آل محمد\*\*

محسن فریادرس\*\*\*

مهدی کامران\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

### چکیده

چگونگی و سیر تکون جهان، از جمله مباحث میان‌رشته‌ای است که از دیرباز محل بحث و کنکاش از سوی دانشمندان علوم تجربی و علمای دین بوده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای در گردآوری مطالب و شیوه اسنادی در نقل دیدگاه‌ها و روش تحلیل کیفی و توصیفی محتوا در ارزیابی داده‌ها به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف پیرامون این مسئله با رویکرد زبان‌شناسانه پرداخته و به این نتیجه رسیده که با توجه به ذوجوه و ذوبطون بودن قرآن کریم، می‌توان دیدگاه‌های معتبر مطرح شده درباره این مسئله را داخل در ابعاد زبان قرآنی رده‌بندی نمود؛ به طوری که نگرش‌های متقدمان آیات مورد بحث، بیشتر ناظر بر زبان «عرف عام» قرآن بوده و در مقابل، دیدگاه‌های مفسران معاصر بیشتر برگرفته از زبان «باطنی علمی» و زبان «عرف خاص» قرآن است که بیشتر در تفاسیر علمی و قرآن به قرآن، نمود پیدا کرده است. درنهایت، نگارنده با تکیه بر زبان باطنی علمی قرآن و با استناد به قرائن درونی و بیرونی، هفت آسمان در آیه ۱۱ سوره فصلت را ناظر بر طبقات جو دانسته است.

### واژگان کلیدی

قرآن کریم، زبان قرآن، تفسیر علمی، هفت آسمان، طبقات جو.

naeeni\_n@modares.ac.ir

\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

s.alemohammad@modares.ac.ir

m.faryadres@modares.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

m\_kamran@modares.ac.ir

\*\*\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

### طرح مسئله

قرآن کریم کلامی ذوجوه با یک حقیقت ثابت و تغییرناپذیر است که از بدو نزول تا به حال علمای عرصه‌های مختلف علمی و دینی از ذوجوه بودن آن بهره متقابل جسته‌اند. در این میان، استفاده از دانش‌های تجربی مانند فیزیک و نجوم در تفسیر قرآن و همین‌طور رهیافت و تقویت نظریات علمی به واسطه قرآن گرچه در قرون گذشته نیز وجود داشته، اما شیوع و گسترش این نوع گرایش و نگاه به آیات قرآن کریم در قرن چهاردهم بسیار مشهود است (به عنوان نمونه رک: غزالی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۹؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، صص ۳۷۹-۳۸۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، صص ۲۰۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۳۰).

از جمله کارکردهای متقابل بین علوم تجربی و قرآن در مسئله بنیادین «چگونگی و سیر تکوین جهان شگفت‌انگیز هستی» نمود پیدا می‌کند که از جمله مباحث میان‌رشته‌ای است که از دیرباز محل بحث و کنکاش از سوی دانشمندان علوم فیزیک و علمای دین به‌ویژه مفسران قرآن کریم بوده و در اکثر تفاسیر علمی سلف و معاصر بدان پرداخته شده و با ظهور و پیشرفت نظریات جدید کیهان‌شناسی در حوزه فیزیک، نوع نگاه به پیدایش جهان هستی در بین مفسران نیز به کلی دگرگون شده است. برخی از این نظریات عبارتند از:

- **نظریه جهان ایستاتیک؛** در این مدل برخی از فیزیکدانان چون انشتین بر این باورند که جهان کروی کنونی ثابت بوده و هیچ تغییری در طول زمان نمی‌کند که بعدها این نظریه را رد کردند (ریگدن، ۱۳۸۱ش، ج ۳، ص ۱۲۹۰).

- **نظریه جهان در حال گسترش (قانون هابل)؛** دانشمندانی نظیر ملیون سلیفِر و ژرژ لومتر و هابل با تحقیقات گسترده و روابط دقیق ریاضی به این نتیجه رسیدند که جهان هستی به سرعت در حال گسترش است (ویلیم، ۱۳۷۴ش، ص ۱۳۳؛ هوگان، ۱۳۸۳ش، ص ۵۸).

- **نظریه انقباض جهان؛** طبق تحقیقات و دستاوردهای علمی فیزیکدانان در مورد ماده تاریک و سیاه چاله‌ها انتظار می‌رود که جهان هستی همچنانکه پیوسته در حال انبساط است روزی این انبساط خاتمه یافته و جهان شروع به انقباض بکند و بساط این عالم برچیده می‌شود (دیکسون، ۱۳۸۲ش، ص ۵۵۶).

به تبع تحول و تنوع این نظریات، آیات تکوین هستی در قرآن کریم نیز با آماجی از نظریات نوین فیزیکی از سوی برخی از مفسران و دیگر دانش‌پژوهان مورد تطبیق و تفسیر واقع می‌شود که همین عمل، موجب موضع‌گیری عده‌ای دیگر از مفسران و قرآن‌پژوهان علیه گروه پیشین شده است.

پژوهش حاضر در صدد برآمده تا با طرح نظریات تفسیری مفسران با رهیافتی نوین در «زبان قرآن کریم» و با بازاندیشی «نگرش بن‌بستی در تفسیر علمی» این مسأله را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. در این راستا سعی شده تا اولاً مباحث جنبه فردیتی و تکراری نداشته باشد و ثانیاً طرحی نوین در اتحاد و جمع‌گرایی علمی افکنده شود. بنابراین سؤالات این پژوهش به قرار زیر است:

- ۱- چگونه می‌توان بین دیدگاه‌های مختلف پیرامون خلقت هفت آسمان جمع ایجاد نمود؟
- ۲- با توجه به قرائن داخلی و خارجی دیدگاه مستدل و برتر در آیه ۱۱ سوره فصلت کدام است؟
- ۳- آیا مراد از «هفت آسمان» در تمامی آیات مربوطه به یک معنا است؟ در صورت نبود وحدت معنایی، در آیات هفت آسمان چگونه می‌توان بین آنها جمع نمود؟

#### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام شده که اگرچه امکان انعکاس همه آنها در این مقاله میسر نیست؛ اما برخی پژوهش‌های سامان‌یافته در این زمینه عبارتند از کتب تخصصی مانند: «سرار الکوون فی القرآن» از داوود سلمان السعدی، «آسمان‌های هفتگانه» از عبدالعزیز البلادی، «هفت آسمان» از محمدباقر بهبودی و «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» از محمد علی رضایی اصفهانی.

همچنین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های متعددی نیز در این خصوص نگاشته شده است مانند: رساله «بررسی آیات نجومی با تأکید بر پاسخ به شبهات» از سید عیسی مسترحمی در رشته قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، پایان‌نامه «بررسی مفهوم «سبع سماوات» در قرآن با تأکید بر آراء علامه طباطبایی (ره) و شیخ طنطاوی» از مجتبی بیابانپور آرانی در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، پایان‌نامه «بررسی و تحلیل حقیقت آسمان‌های هفتگانه در قرآن و روایات اهل بیت (ع)» در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه «بررسی و نقد اهم دیدگاه‌های مفسران در زمینه مفهوم آسمان‌های هفتگانه» در رشته معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث تهران.

نیز لازم به ذکر است که مقالات متعددی نیز در این زمینه منتشر شده است مانند: مقاله‌ی «تصویر هفت آسمان در قرآن و «تمام نهج البلاغه»» از سید علی‌رضا حجازی در مجله پژوهش‌های نهج‌البلاغه (سال ۸، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۶۱-۲۷)، «هفت آسمان و زمین» از علی‌رضا رضایی در مجله قرآن و علم (سال ۱، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۱۳)، «تشابه آفرینش

هفت آسمان با ساختمان درونی زمین از دیدگاه قرآن» از وحید حسینی تودشکی در مجله رشد آموزش معارف اسلامی (سال ۱۳، شماره ۴۴، صص ۴۶-۴۴).

درباره‌ی این پژوهش‌ها باید گفت که گرچه ذکر جزئیات همگی آن‌ها ممکن نیست؛ اما اساساً هریک از محققان در صدد برآمده‌اند تا یک معنای واحد از هفت آسمان را ارائه دهند؛ در حالی که چه‌بسا با رویکردی نوین و درعین حال جمع‌گرایانه با تکیه بر معانی باطنی طولی در قرآن کریم بتوان از شدت و حدت این اختلاف‌نظرها در طول تاریخ کاسته و جمع بین آنها نمود.

### ۱. مفهوم هفت آسمان از منظر تفاسیر و اندیشمندان اسلامی

مراد از آسمان‌های هفتگانه از جمله مباحث پرتنش و اختلاف در بین مفسران قرآن کریم و صاحب‌نظران حوزه علوم قرآنی از قدیم الایام بوده است، در آیات مختلفی از قرآن کریم (چون بقره: ۲۹؛ اسراء: ۴۴؛ مؤمنون: ۸۶ و ۱۷؛ فصلت: ۱۲؛ ملک: ۳؛ نوح: ۱۵؛ طلاق: ۱۲؛ نبأ: ۱۳) از آسمان‌های هفت‌گانه سخن به میان آمده است؛ این در حالی است که در هیئت بطلمیوسی یونانی رایج در اندیشه مسلمانان قرون وسطایی تعداد افلاک نه عدد بود (نک: قلندری، ۱۳۹۰ش، صص ۷۶-۸۱)، از این رو مفسران و اندیشمندان اسلامی سعی نمودند بین هفت آسمان قرآنی با نه فلک بطلمیوسی تطبیق و جمع ایجاد کنند؛ به طوری که بوعلی سینا با افزودن عرش در قرآن به عنوان فلک نهم و قلمداد نمودن فرشتگان حامل عرش به مثابه هشت افلاک، در صدد جمع بین نظریه بطلمیوسی با قرآن شد (ابن سینا، بی تا، صص ۱۲۹).

در پی او، علامه مجلسی با افزودن کرسی و عرش به هفت فلک، جمع بین عقل و شرع نمودند (مجلسی، ۱۳۸۵ش، ج ۵۷، صص ۵). عده‌ای دیگر نیز هفت آسمان را بر هفت سیاره شناور به دور زمین و خورشید (نیازمند شیرازی، ۱۳۳۵ش، صص ۱۴۵)، سیارات هفت‌گانه مشهود زمان خویش (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، صص ۲۸۲؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، صص ۱۵۲؛ جمیلی، ۲۰۰۰م، صص ۱۵)، لایه‌های هفتگانه اتمسفر جو (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۱۱۱؛ جعفری، بی تا، صص ۱۱۵) تطبیق داده‌اند و در مقابل برخی از مفسران همه سیارات و ستارگان و آنچه در آسمان مشهود است را متعلق به آسمان اول دانسته و شش آسمان دیگر را معنوی و از خارج از شهود بشری قلمداد کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، صص ۳۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، صص ۲۲۷؛ حجازی، ۱۳۸۹ش، صص ۳۰).

در نگاه طنطاوی عدد هفت، عدد تعداد نبوده و بلکه عدد کثرت است؛ یعنی در آیات مربوطه، عدد هفت آسمان واقعی نیست و می‌تواند آسمان‌های بیشتری وجود داشته باشد. وی اساس تعیین عدد هفت را هم ناشی از افکار یونانیان می‌داند که از علمای اسکندریه به جای مانده

است؛ چراکه آن‌ها به فلک قائل بودند که هفت عدد آن‌ها (ماه - عطارد - زهره - خورشید - مریخ - مشتری - زحل) به دور زمین می‌چرخند و فلک هشتم جایگاه ثوابت و فلک نهم نیز مبدأ حرکت بوده است.

در ادامه، وی چگونگی راه‌یابی این نوع تفکر به حوزه اندیشه اسلامی را از طریق فارابی و بوعلی دانسته که در نهایت منجر به تطبیق با «سماوات سبع» قرآن و عرش و کرسی شد؛ در حالی که در فیزیک نوین حدود ششصد سیاره بسیار کوچک میان مریخ و مشتری کشف شده که با پذیرش مقید نبودن تعداد آسمان‌ها به عدد هفت، می‌گویند این تعبیر به «هفت آسمان»، آزمایش و ابتلاء از جانب الله تعالی است تا کوتاه‌فکران بی‌خرد از او پروا کنند. بنابراین خواه آسمان یکی باشد یا هفت یا سیزده یا هزار، این خلقت و هستی گواه بر دانش، قدرت و حکمت آفریدگار است؛ پس صرف عدد هفت مدخلیتی ندارد، همچنان که در جای دیگر نیز قرآن می‌فرماید: «يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۸)، (طنطاوی ۱۳۵۰ق، ج ۱، ص ۴۸).

طنطاوی در ادامه دلیل نزدیک بودن و مناسبت نظریه جدید با قرآن را این‌چنین تقریر می‌کند که:

**الف)** در قرآن کریم آمده است که «يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» و علم جدید وسعت مخلوقات الهی را نشان داد که قابل درک نیست، و این امر به‌وضوح تفاوت شگرف جهان بی‌کران شناخته شده در عصر ما را از جهان محدود مطرح شده در هیئت بطلمیوسی، آن‌هم به تبع عظمت و صف‌ناپذیر خلقت الله تعالی نشان می‌دهد.

**ب)** قدمای گفتند که ستارگان و افلاک فانی نمی‌شوند، درحالی‌که نظریه جدید ثابت نمود که همه ستارگان مانند انسان و حیوان تولد می‌یابند و فانی می‌شوند؛ از این‌رو تأکید دارند که همواره ستارگانی در حال تکوینند و حدود شصت هزار تا از آن‌ها را ذکر کرده‌اند و همین‌طور ستارگانی نابود گشته‌اند (طنطاوی ۱۳۵۰ق، ج ۱۲، ص ۱۸۱؛ آل‌محمد، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵).

همچنین، خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهیم: ۴۸) که نزدیک به آیه «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَىٰ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» بوده و می‌توان گفت این فانی شدن خلاق، مغایر با دیدگاه قدما است و موافق با کشفیات قطعی در علوم نوین است. برخی از قرآن‌پژوهان معاصر هم مقید نبودن تعداد آسمان‌ها به عدد هفت پذیرفته و گویند که حمل عدد هفت بر مطلق کثرت و معنا شدن آسمان‌های هفتگانه به آسمان‌های کثیر وجه مورد قبولی است (نجفی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۰).

## ۲. نقد و بررسی نظرات مفسران پیشین

در آیه مورد بحث، نظر طنطاوی مبنی بر دلالت عدد هفت بر کثرت لفظ «سبع» را می‌توانیم به طور احتمال بپذیریم؛ چراکه در ادبیات عرب عدد «سبع» و «سبعین» همچون برخی اعداد دیگر - «الف»، «عشر» و ... - در معنای کثرت نیز استعمال می‌شود (خلف، ۱۴۳۷ق، ص ۵، حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۴، مدرسی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۳).

همچنین در آیات «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ آبِحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان: ۲۷) و «اسْتَعْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه: ۸۰)، نیز لفظ سبع و سبعین برای افاده کثرت است و خود عدد خصوصیتی ندارد؛ زیرا اگرچه اصل در نظر گرفتن معنای حقیقی کلمه است - مگر اینکه قرینه‌ای دیگر بر مجازی بودن آن دلالت داشته باشد -؛ لیکن در دو آیه مذکور «نامتناهی بودن کلمات الله» و «عدم شایستگی و قابلیت کافران جهت آمرزش» قرینه‌ای برای استعمال لفظ در معنای مجازی است. در آیه «سبع سماوات» هم اگر امکان استعمال لفظ «سبع» در معنای حقیقی آن ممکن باشد، دلیلی نداریم که تنها معنای مجازی از لفظ سبع را اتخاذ کنیم ولو اینکه مراد حقیقی از لفظ سبع را نیافته باشیم؛ چرا که عدم وجدان، دلیل بر عدم وجود نیست.

## ۳. طرح نظریه‌ای جدید پیرامون هفت آسمان

اما مراد از این طبقات هفتگانه از نظرگاه زبان علمی قرآن چه می‌تواند باشد؟ مفسران در اینکه مراد از آسمان‌های هفتگانه چیست، نظریات متفاوتی ارائه داده‌اند که پیش‌تر ذکر شد؛ لیکن به نظر می‌رسد مراد از آسمان‌های هفتگانه با توجه به این بُعد از زبان علمی قرآن، «طبقات جو» است که به اعتباری به هفت طبقه «تروپوسفر، استراتوسفر، ازونسفر، مزوسفر، یونوسفر، ترموسفر و اگزوسفر» تقسیم می‌شود (مور، ۱۳۶۷ش، صص ۲۱-۱۶) که شواهد و قرائنی این دیدگاه را تأیید و تقویت می‌کند که در زیر تبیین می‌گردد:

### ۳-۱. تناسب تابندگی ماه و خورشید در طبقات جو

در ترکیب نحوی آیه «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا» (نوح: ۱۶-۱۵) جار و مجرور «فیهن» حال و «نوراً» مفعول به دوم برای فعل «جعل» است و «جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا» عطف بر جمله پیشین است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲۲۹). از

این جهت هفت آسمان باید جایی باشد که در آنجا هم ماه خاصیت بازتاب نور (تابش بازتابی) را داشته و هم خورشید ویژگی تابش حقیقی نور را دارا باشد که این امر فقط در هفت طبقه محصور جو زمین امکان‌پذیر است. والا در برابر ستارگان فروزان و آتشین عظیم فضایی، خورشید و ماه ذره‌ای خاموش مانند بیش نیستند.

### ۲-۳. هفتگانه بودن زمین همانند آسمان‌های هفتگانه

بر اساس آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» (طلاق: ۱۲) زمین نیز همانند آسمان هفتگانه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۳۳) و اگر منظور از آن را طبقات هفتگانه زمین بدانیم که در علم جغرافیا و زمین‌شناسی اثبات گشته است، (مور، ۱۳۶۷ش، صص ۲۱-۱۶) با توجه به همانندی آن‌ها با آسمان‌های هفتگانه، روشن می‌شود که مراد از آن، همان طبقات جو است که دور زمین را احاطه کرده است.

### ۳-۳. نزول باران از طبقات جو زمین

در آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (مؤمنون: ۱۷-۱۸) و نزدیک به سی آیه دیگر از قرآن کریم به نزول باران از آسمان تصریح شده است که قدر مسلم و یقین در علم هم این است که باران در طبقات جو - و نه از کرات آسمانی یا از عوالم دیگر - شکل گرفته و از همان‌جا به زمین فرود می‌آید. بنابراین مراد از آسمان در آیه مورد بحث و در تمام آیاتی که قرین با نزول باران آمده است، همین طبقات جو است.

### ۴-۳. خاصیت و قدرت بازگرداندگی طبقات جو (آسمان)

بر طبق آیه «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» (طارق: ۱۱) آسمان دارای قدرت بازگرداندگی است و این امر نه تنها در طبقات جو مشهود است بلکه به لحاظ ظاهری هم مختص طبقات جو است. از جمله ویژگی‌های طبقات جو می‌توان به برگرداندن گرمای اشعه مادون قرمز به کره زمین توسط گازهای گلخانه‌ای، بازگرداندن امواج رادیویی توسط بخش یونسفر (کافمن، ۱۳۶۶ش، ص ۶؛ آل محمد، ۱۳۹۵ش، ص ۷۱) و برگشت بخارهای آب به زمین و جمع و جذب اشعه‌های فرابنفش... اشاره کرد (عبیدی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۱).

همه این موارد نشان از خاصیت بازگرداندگی طبقات جو است و جالب‌توجه اینکه «رجع» از ماده «رجوع» به معنی بازگشت و جمع است، و عرب هم به «مطر» یعنی باران که از زمین و دریاها برخاسته، از طریق ابرها به سوی زمین برمی‌گردد «رجع» می‌گوید و همین‌طور گودال‌هایی



را که آب باران در آن جمع می‌شود نیز «رجع» می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۲) و با پیشرفت علوم مصادیق فراوان «الرجع» - که الف لام در آن افاده جنس یا استغراق می‌کند - نیز هر چه بیشتر هویدا گشته و بر عظمت و شگفتی این آیت باهره الهی می‌افزاید.

### ۳-۵. اتمسفر به عنوان سقف حفاظ زمین

در آیه «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْهًا مَحْفُوظًا وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ» (انبیاء: ۳۲) آسمان به عنوان حفاظی همچون سقف عمل می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۳۹۹) جالب توجه اینکه از جمله قابلیت‌های اتمسفر زمین خاصیت حفاظی آن از زمین است که برخی از آن‌ها عبارتند از: جلوگیری از ورود شهاب‌سنگ‌ها به لایه‌های زیرین جو و رسیدن آن‌ها به سطح زمین، جذب پرتوهای ماوراءبنفش موجود در تابش خورشید توسط لایه اوزون، «کمبرندهای وان آلن»، رانده شدن ذرات در برخورد با میدان‌های مغناطیسی که مانند سقف و چتر عمل می‌کنند (Zell, 2015, p25-34؛ آل محمد، ۱۳۹۵ش، ص ۷۸).

### ۳-۶. تناسب طبقه بودن آسمان با طبقات جو

آیه «الَّذِي خَلَقَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا» (ملک: ۳) دلالت بر طبقه طبقه بودن آسمان‌ها دارد که طبیعتاً این تأکید و حال بر طبقه‌وار بودن باید خاصیتی هم به همراه داشته باشد و الا در جهان هستی همه چیز را می‌توان بدون اینکه خاصیتی جز ترتیب مکانی و هندسی داشته باشد، به شکل طبقه‌ای متصور شد اما از آنجاکه خداوند حکیم علی‌الاطلاق است، قطعاً بر طبقه‌وار بودن آسمان هدفی منظور داشته که همان خاصیت منحصربه‌فرد هر یک از طبقات جو است. امری که در علم نیز اثبات گشته و بحث پیرامون این خواص طبقاتی نیازمند مطالعات زمین‌شناسی است که خارج از این نوشتار است (Northon, 2015, p80-90).

اما همین‌قدر گفتنی است که هر لایه نقش ویژه‌ای در حفظ حیات زمین دارد، و نسبت گازها و درجه‌ی حرارت آن‌ها در هر یک از لایه‌ها با دیگر لایه‌ها متفاوت و از روی حساب و کتاب است و ترکیب هر یک از این لایه‌ها تحت تأثیر خواص آن است که منجر به پدیده‌های مختلف جوی می‌شود.

### ۳-۷. خلق شدن آسمان (جو) پس از زمین

با توجه به آیات ماقبل آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» (فصلت: ۱۲) که به خلقت زمین اشاره کرده، در این آیه لفظ «ثم» خلقت آسمان را پس از زمین بیان می‌کند و این در حالی است که آیات سوره نازعات «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقاً أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكُهَا فَسَوَّاهَا وَ أَعْطَشَ لَيْلَهَا وَ أَخْرَجَ ضُحَاهَا وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرْعَاهَا وَ الْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ» (نازعات: ۲۷-۳۳) به صراحت خلقت زمین و گسترش آن و جوشیدن چشمه‌ها و پیدایش درختان و مواد غذایی را پس از خلقت آسمان دانسته است (ابوالفداء، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶).

این در صورتی است که اگر در آیه فصلت «سما» را به معنای کرات آسمانی بگیریم ناگزیر باید «ثم» را که بیشتر دلالت بر تأخیر زمانی می‌کند، به معنی تأخیر در بیان قلمداد کنیم، ولی اگر مراد از «سما» در این آیه «جو» باشد، نیازی به عدول از معنای ظاهر «ثم» نیست و این دقیقاً متناسب با کشفیات علوم نوین است که شکل‌گیری و تکون جو آسمان را پس از خلقت زمین می‌داند.

#### ۴. هفت آسمان در زبان عرفی و تأویلی قرآن کریم

از آنجا که هرکلامی متشکل از مجموعه‌ای از رومعنا و زیرمعنا است و معنای زیرین در دل معنای سرّ راست و رومعنا نهفته است، لذا این معنای نهفته و زیرین در ارتباط با معانی ضمنی، مفهومی، و جهی، الزامی، ثانوی، بارمعنایی، فراقاموسی، مجازی و... است. قرآن کرم هم که مافوق هر کلامی و مبتنی بر حکمت بالغه است، به بدیع‌ترین شکل ممکن این دو بُعد معنایی را در هم سرشته است که متقدمان تحت عناوین: ظاهر، بطن، بطن بطن و الی سبعین بطن، تأویل و ... بدان اشاره نموده‌اند؛ از این رو آیات قرآن در هر مرتبه زبانی به یک مفهوم حقیقی اشاره می‌کنند که مرتبط با آن زبان است.

بنابراین براساس زبان عرف عام قرآن، مراد از هفت آسمان همان چیزی است که در عرف آن زمان شناخته شده بود و قرآن هم از باب تعریض بدان اشاره نموده و هیچ اعتراضی از سوی شنوندگان نخستین در مورد آیات مذکور وارد نشده است و خود این سکوت نشان از معهود بودن «سبع السماء» در میان شنوندگان نخستین کلام الله مجید دارد. بر این اساس مراد از هفت آسمان احتمالاً همان هفت سیاره منظومه شمسی است که با چشم غیر مسلح می‌دیدند و مورد پذیرش عموم بود. دلیل بر این ادعا هم آیه ۱۵ سوره نوح «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً» است که حضرت نوح (ع) در مقام احتجاج بر مشرکان به هفت آسمان احتجاج کرده و

آن را امری مسلم می‌شمرند و قرآن با آنان به وسیله همین چیزی که خود آنان مسلم می‌دانستند احتجاج کرده است؛ از این رو داستان هفتگانه بودن آسمان‌ها که در کلام نوح (ع) آمده به خوبی دلالت دارد بر اینکه این مسئله از زمان انبیاء سلف نیز مورد پذیرش عموم بوده است.

اما بر اساس زبان عرف خاص قرآن که بیشتر متکی بر قرائن درون قرآنی است معنای هفت آسمان عبارت می‌شود از هفت طبقه آسمان مستحکم طوق دار که طبقه اول آن - آسمان اول - مملوء از سیارات و ستارگان است و این طبقه مرتبط با طبقات دیگر است که امر الهی از عرش از آن طرق جاری می‌شود (سجده: ۵؛ فصلت: ۱۲؛ مؤمنون: ۱۷؛ نوح: ۱۵؛ نباء: ۱۲) و طبق زبان باطنی قرآن کریم همین هفت آسمان «ممکن» است اشاره به هفت شی در عرفان و فلسفه و فیزیک و... داشته باشد که اهل فن و خبره در این علوم - از باب احتمال و با بیان دلیل - می‌توانند معانی لطیفی از این هفت آسمان را ارائه دهند که در ادامه نظر مختار خود را پیرامون این آیه بر اساس این معنای باطنی فیزیکی قرآن بیان خواهیم نمود.

در نهایت بر اساس زبان تأویلی قرآن کریم هفت آسمان اشاره به حقیقتی والا در عالم خارج می‌کند که فقط الله تعالی و راسخون فی العلم از آن اطلاع دارند همچنانکه یوسف (ع) هفت سنبل خشکیده و تر و هفت گاو فربه و لاغر در خواب پادشاه مصر را بر هفت سال فراوانی نعمت، و لاغر بودن را دلیل بر خشکی و سختی تعبیر نمود و حمله گاوهای لاغر به گاوهای چاق را دلیل بر استفاده از ذخائر سالهای قبل و هفت خوشه خشکیده که غالب بر هفت خوشه تر را بودند را دلیل بر ذخیره گندم به شکل خوشه و طولانی بودن دوره خشکسالی دانستند و همچنین عدد گاوهای لاغر و خوشه‌های خشکیده را نشان از زمان پایان یافتن هفت سال فراوانی و شروع هفت سال قحطی تعبیر نمود.

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر در محور «مراد از هفت آسمان در سیر پیدایش جهان هستی» به‌قرار زیر است:

۱. با توجه به قرائن درون قرآنی و دلایل متقن علمی، مراد از آسمان‌های هفتگانه از نظرگاه زبان باطنی علمی قرآن همان طبقات جو است که به اعتباری به هفت طبقه تروپوسفر، استراتوسفر، ازونسفر، مزوسفر، یونوسفر، ترموسفر و اگزوسفر تقسیم می‌شود.
۲. شواهد و قرائنی از قبیل تناسب تابندگی ماه و خورشید در طبقات جو؛ هفتگانه بودن زمین همانند آسمان‌های هفتگانه؛ نزول باران از طبقات جو زمین؛ خاصیت و قدرت بازگرداندگی

طبقات جو (آسمان)؛ اتمسفر به‌عنوان سقف حفاظ زمین؛ تناسب طبقه بودن آسمان با طبقات جو؛ و خلق شدن آسمان (جو) پس از زمین، این دیدگاه را تأیید و تقویت می‌کند.

۳. براساس زبان عرف عام قرآن، مراد از هفت آسمان همان هفت سیاره منظومه شمسی است که با چشم غیر مسلح دیده می‌شده و مورد پذیرش عموم مردم آن عصر بوده است، لذا قرآن هم از باب تعریض بدان اشاره نموده و سکوت و عدم اعتراض مردم نسبت به این آیات، نشان از معهود بودن «سبع السماء» در میان شنوندگان نخستین کلام الله مجید دارد.

۴. بر اساس زبان عرف خاص قرآن که بیشتر متکی بر قرائن درون متنی است، معنای هفت آسمان عبارت است از هفت طبقه آسمان مستحکم طرق‌دار که طبقه اول آن - آسمان اول - مملوء از سیارات و ستارگان است و این طبقه مرتبط با طبقات دیگر است که امر الهی و عرشی از آن طرق جاری می‌شود.

۵. براساس زبان تأویلی قرآن کریم نیز هفت آسمان اشاره به حقیقتی والا در عالم خارج می‌کند که فقط الله تعالی و راسخون فی العلم از آن اطلاع دارند، همچنان که در رؤیای حضرت یوسف (ع) بدان اشاره شده است.

### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- آل محمد، سید تقی، (۱۳۹۵)، *روش‌شناسی تفسیر طنطاوی در آیات مربوط به فیزیک و نجوم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (بی‌تا)، *رسائل بن سینا*، قم: نشر بیدار.
- حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۴ق) *تقریب القرآن الی الأذهان*، بیروت: دار العلوم.
- جعفری، یعقوب، (بی‌تا)، *کوثر*، بی‌جا.
- جمیلی، السید، (۲۰۰۰م)، *الإعجاز العلمی فی القرآن*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- حجازی، سید علی رضا، (۱۳۸۹ش)، «تصویر هفت آسمان در قرآن و تمام نهج البلاغه»، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، دوره ۱۰، شماره ۲۷ و ۲۸.
- خلف، حسن، (۱۴۳۸ق)، «الدلالة المجازیة للأعداد الأصلیة فی القرآن الکریم»، *دراسات فی العلوم الانسانیة*، دوره ۲۳، شماره ۲.
- درویش، محیی الدین، (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانہ*، سوریه: دار الارشاد.

دیکسون، رابرت. تی، (۱۳۸۲ش)، *نجوم دینامیکی*، مترجم: احمد خواجه نصیر طوسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: الدار الشامیه.

ریگدن، جان، (۱۳۸۱ش)، *دانشنامه فیزیک*، تهران: دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه.

زرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله، (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

سیوطی، جلال الدین، (۱۳۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.

طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲ش)، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه

قم المقدسه.

طنطاوی جوهری، محمد سید، (۱۳۵۰ق)، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، مصر: مصطفی البابی

الحلبی.

غزالی، محمد بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *احیاء علوم الدین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قاسمی، محمد جمال الدین، (۱۴۱۸ق)، *محاسن التأویل*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قلندری، حنیف، (۱۳۹۰ش) «ماهیت فیزیکی افلاک: بررسی مفهوم فلک در آثار هیئت»، *مجله تاریخ*

*علم*، دوره نهم، شماره ۱، صص ۱۰۸-۶۷.

کافمن، ویلیام، (۱۳۶۶ش)، *سیارات و اقمار*، مترجم: علی درویش، مشهد: معاونت فرهنگی آستان

قدس رضوی.

مدرسی، سید محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: محبی الحسین.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مور، پیترو، (۱۳۶۷ش)، *سرگذشت زمین*، مترجم: عباس جعفری، تهران: انتشارات گیتاشناسی.

نجفی، روح الله، (۱۳۹۱ش)، «در جستجوی هفت آسمان»، *کتاب قیم*، دوره دوم، شماره ۷.

نیازمند شیرازی، یدالله، (۱۳۳۵ش)، *اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی*، تهران: شرکت چاپ میهن.

Northon, Karen (2015), "Daily Views of Earth", Available on New NASA Website.

NASA. Retrieved.

Zell, Holly (2015), "Earth's Upper Atmosphere". NASA. Retrieved.